

پشت بام خوابی بهتر از خانه است!

سرگرد سمانه مهریانی

معاون اجتماعی پلیس
آگاهی تهران بزرگ



دختر نوجوان به اصرار افسر پرونده حاضر به گفت‌وگو می‌شود. مثل همه نوجوانان هم سن و سالش در برابر گفت‌وگو با یک بزرگسال جبهه می‌گیرد و فکر می‌کند قصد دارم نصیحتش کنم. برای این‌که بیشتر نشان دهد متفاوت است و ترسی هم از بزرگ‌ترها ندارد، می‌گوید: با شما حرف می‌زنم، اما حداقل یک نخ سیگار بدهید. نگاه و سکوت‌م را که می‌بیند، می‌گوید: باشه خانم پلیس، شوخی کردم.

یک سال پیش با پسری آشنا شدم و با هم فرار کردیم. دو نفری رفتیم شمال. فکر می‌کردم قرار است به ما خوش بگذرد اما کسی به ما ویلا نداد و مجبور شدیم شب‌ها توی پارک بخوابیم. آن موقع فقط ۱۵ سال داشتم. خیلی زود پلیس ما را پیدا کرد و مرا تحویل خانواده‌ام دادند. مادرم به جای این‌که کنارم بنشیند و بپرسد چرا این کار را کردی، فقط سرزنش‌م کرد و بعد هم با جابه‌جایی خانه و تغییر محل فکر کرد، می‌تواند مانع ارتباط من با آن پسر شود. من نه تنها تماس‌م را با او قطع نکردم که با یک اکپ دخترو پسر هم آشنا شدم و هر چند روز یک‌بار با هم برای تفریح بیرون می‌رفتیم. به این‌جا که می‌رسد ذوق‌زده می‌گوید من خوب بدم آدم‌ها را مجبور کنم برایم خرج کنند اما خیلی زود پسرهای جمع متوجه شدند که من فقط قصد دارم کاری کنم تا آنها برایم هزینه کنند. من دلم می‌خواهد برای خودم آزادانه بیرون بروم و هر ساعتی دلم خواست به خانه برگردم اما مادرم مدام از من گزارش کار می‌خواهد و نگرانی‌ها و سؤال و جواب‌هایش خسته‌ام می‌کند. هر روز دعوا داریم و مدام به من سرکوفت می‌زند که تو چرا مثل خواهر بزرگت نمی‌توانی در خانه بنشین. خب من مثل خواهرم نیستم. از دفعه قبل که نگرانی و دردسرهای‌شان را به خاطر فرار به شمال دیدم، فهمیدم فرار تنبیه خوبی است برای این‌که اذیت‌شان کنم؛ فرار کردم. این چند روز از یکی از پسرهای اکپ به اسم مهرداد خواستم به من کمک کند. او هم مرا به خانه‌شان برد و برای این‌که والدینش متوجه نشوند مجبور شدم گاهی توی پارکینگ خانه و چند شب هم روی پشت‌بام بخوابم. همه چیز داشت خوب پیش می‌رفت که از پلیس آگاهی با والدینش تماس گرفتند و معلوم شد که من این چند روز در خانه آنها پنهان شده بودم. من از آنجا نیز فرار کردم و به پارک ملت رفتم و یکی از دوستان مهرداد سراغم آمد و گفت قضیه حل شده و می‌توانم به خانه مهرداد برگردم. من هم اعتماد کردم و خبر نداشتم این یک قرار صوری است و پلیس به همراه خانواده‌ام آنجا منتظرم هستند.

نظریه کارشناس

دوران بلوغ و نوجوانی حساس‌ترین دوران زندگی هر انسانی است که صعود یا سقوط وی، در مسیر زندگی با توجه به اتفاقات و تصمیم‌های این دوران رقم می‌خورد. کودک مطیع و فرمانبردار شما ناگهان به موجودی ناسازگار تبدیل می‌شود و اگر شما آموزش‌های لازم را درخصوص نحوه برخورد صحیح با نوجوان ندیده باشید و در مورد ویژگی‌های این دوران مطالعه نکرده باشید به جای کمک به او، شخصا زمینه سقوط و فرار و گرایش وی به انواع آسیب‌ها را فراهم می‌آورید.

با مطالعه برای هر دوره‌ای از رشد فرزند خود آماده باشید در غیر این صورت هر روز با رفتاری عجیب و اشتباهی غیرقابل جبران شگفت‌زده و غافلگیر می‌شوید. هر وقت احساس کردید حل مشکلات بین شما و فرزندتان از توان شما خارج است و زبان مشترکی با نوجوان خود ندارید به جای جنگ و درگیری از یک مشاور و متخصص در زمینه کودک و نوجوان کمک بخواهید.

چگونه صعود امن کنیم



حسین درخشان
مدیرعامل هلال احمر
استان سمنان

در صعود به ارتفاعات با سه گروه کوهنوردان حرفه‌ای، متوسط و تفریحی مواجهیم. کوهنوردان حرفه‌ای معمولاً در زمان بارش برف و روزهای بعد از آن به علت احتمال سقوط بهمن به ارتفاعات نمی‌روند. گروه‌های تفریحی هم با خراب شدن وضعیت هوا صعود نمی‌کنند و بیشتر حضور این افراد در فصول گرم سال است. در این میان بیشترین حوادث برای کوهنوردان متوسط رخ می‌دهد که با وجود ناپایداری هوا ریسک کرده و به ارتفاعات صعود می‌کنند، چون از عواقب کارهای غیر حرفه‌ای خود و تلفات کوهستان آگاهی کامل ندارند.

بیشترین حوادث مرگبار کوهستان را در فصول زمستان و پاییز شاهد هستیم که کوهنوردان گرفتار بهمن یا سرمای هوا می‌شوند و با به خطر انداختن سلامتی خود در برخی مواقع جان خود را هم از دست می‌دهند. کوهنوردان غیر حرفه‌ای ممکن است بگویند شب گذشته برف باریده و امروز هوا برای کوهنوردی آفتابی و مناسب است و شرایط مطلوبی وجود دارد تا به دل طبیعت و کوهستان بزنند. حال آن‌که بیشترین حوادث و ریزش بهمن ۷۲ ساعت پس از باریدن برف رخ می‌دهد و کوهنوردان حین صعود یا فرود دچار حادثه و ریزش بهمن می‌شوند.

موضوع مهم این است که شاید در شهر و پای کوه هوا آفتابی و صاف باشد، اما در ارتفاعات وضعیت هوا به سرعت متغیر خواهد بود و هر لحظه در حال تغییر است و ممکن است کوهنوردان در ارتفاعات بالا با باد شدید همراه با کولاک، سرما و سقوط بهمن روبه‌رو شوند.

وقتی برف جدید می‌بارد بین ۷۲ ساعت تا یک هفته امکان سقوط بهمن در شیب‌های ۳۵ تا ۴۰ درجه وجود دارد و به همین دلیل صعود به ارتفاعات توصیه نمی‌شود.

گاهی مشاهده شده با وجود هشدار ممنوعیت صعود، کوهنوردان به صورت انفرادی و گروهی به حرکت به سمت قله اقدام می‌کنند و با این فکر که از جاده مشخص می‌رویم و باز می‌گردیم خود را دور از حادثه می‌دانند. حال این‌که وزش باد می‌تواند جاده را مملو از برف کرده و کوهنوردان راه خود را گم کرده و در کوهستان سرگردان شوند.

همراه داشتن تجهیزات مناسب و حرفه‌ای کوهنوردی گرچه یک اصل است، اما علم و توان استفاده از این تجهیزات در هر آب و هوایی موضوع مهم‌تری است. وضعیت هوای زمستانی در ارتفاعات در هر لحظه ممکن است تغییر کند و کوهنوردان باید به این موضوع توجه کنند و هر جا با نشانه‌های تغییر وضعیت هوا روبه‌رو شدند از صعود منصرف و به سمت پایین یا پناهگاه باز گردند.

این تصور که خودمان را به جان پناه می‌رسانیم تا شرایط عادی شود، تصور غلطی است چرا که کوهستان ممکن است به شما اجازه رسیدن به جان پناه را ندهد و گرفتار حادثه شوید.

توصیه اصلی به کوهنوردان در زمستان گوش دادن به هشدارهاست و اگر ممنوعیت صعود اعلام می‌شود به هیچ وجه نباید به ارتفاعات بروید و حتماً مسئولان شرایط ارتفاعات را می‌دانند که ممنوعیت صعود اعلام می‌کنند. نکته دیگر این است که در زمستان هر قدر هم که حرفه‌ای هستید به صورت انفرادی به ارتفاعات بالا صعود نکنید، زیرا شرایط آب و هوایی هر لحظه ممکن است برای شما حادثه‌ای را رقم بزند.

بیشترین حوادثی که در ارتفاعات در فصول سرد رخ می‌دهد، سقوط بهمن، احتمال یخ‌زدگی و گم کردن مسیر اصلی است که نیروهای امدادی را برای کمک به کوهنوردان دچار مشکل می‌کند. گاهی فرد یا افرادی در کوهستان مفقود و دچار حادثه می‌شوند که در این وضعیت نیروهای امدادی برای انجام عملیات نجات به علت شرایط جوی چند ساعت یا چند روز عملیات را متوقف می‌کنند که باعث می‌شود کوهنوردان حادثه دیده جان خود را از دست بدهند.

